

نگاهی تاریخی و حقوقی به جزیره‌های بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک

دکتر ایرج افشار سیستانی^۱

چکیده

دریایی در راستای کرانه به ژرفای سی متر، جزایری را از کرانه جدا می‌سازد. این چاله به ظاهر یک ناودیس زیردریایی است و پس از آن نیز جزایر فارور و تنبها روی طاقدیس زیردریایی قرار دارد و یک برآمدگی دیگر هم جزیره‌های بوموسا و سیری را دربردارد (مستوفی، ۱۳۴۱: ۸).

جزیره بوموسا با ۱۲/۸ کیلومتر مربع پهنه، در آبهای جنوب خاوری خلیج فارس قرار گرفته و از شمال به جزیره تنب کوچک، از شمال خاوری به جزیره تنب بزرگ، از شمال باختری به جزیره‌های فارور و فارورگان و از باختر به جزیره سیری محدود است.

جزیره تنب بزرگ با ۱۰/۵ کیلومتر مربع پهنه، در آبهای جنوب خاوری خلیج فارس قرار گرفته و از شمال با کرانه باختری جزیره قشم و از شمال باختری به بندرلنگه، از باختر به جزیره تنب کوچک و از جنوب باختری به جزیره بوموسا محدود است.

جزیره تنب کوچک با ۱/۲ کیلومتر مربع پهنه، در آبهای جنوب خاوری خلیج فارس قرار گرفته و از شمال باختری به بندر لنگه، از خاور به جزیره تنب بزرگ، از باختر به جزیره فارور، از جنوب باختری به جزیره بوموسا و از شمال خاوری به کرانه باختری جزیره قشم محدود میگردد (گلوردی، ۱۳۸۱: ۲۱۴ و ۱۶۰).

جمهوری اسلامی ایران بر بسیاری از جزیره‌های ارزشمند و استراتژیک، از جمله بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک در تنگه هرمز و دهانه خلیج فارس حاکمیت و مالکیت دارد. تنگه هرمز آبراهی باریک و خمیده شکل است، که دریای نیم بسته خلیج فارس را از راه دریای مکران به اقیانوس هند و راههای کشتیرانی بین‌المللی دریای آزاد پیوند میدهد و به انگیزه جایگاه ویژه و استراتژیک خود، شاه‌رگ زندگی اقتصادی غرب و ژاپن در شرق دور به شمار میرود. این تنگه حدود ۱۰۰ مایل دریایی (۱۸۵ کیلومتر) درازا دارد و ادامه بلندیهای جنوب ایران به شبه جزیره مُسندَم را بریده و یک فرورفتگی زمین‌شناسی است که از شمال به ایران و از جنوب به شبه جزیره مُسندَم در کشور عمان محدود میگردد.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ بوموسا؛ تنب بزرگ و کوچک؛ تنگه هرمز؛ دریای مکران؛ مُسندَم؛ ایران؛ عمان؛ انگلستان؛ امارات عربی متحده

مقدمه

جزیره‌های کناره ایران، دنباله چین‌خوردگیهای زاگرس در کف دریا و یا برجستگی طاقدیس میباشند و یا سرچشمه نمکی دارند. در جنوب بندرلنگه و جزیره قشم، یک چاله

۱. نویسنده و پژوهشگر ایرانشناس و دکتری جامعه‌شناسی؛

کشتیها از خاور به باختر گزینش شده است و گذرگاه جنوبی ویژه گذر کشتیها از باختر به خاور است (افشار سیستمی، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۵).

بر پایه اصل سوم مقررات وابسته به کشتیرانی جهانی، دولت ایران حق دارد هزینه خدمات رسانی مخابراتی و نصب نشانه‌های کمک ناوبری را دریافت کند. همچنین بر پایه اصل یکم همان مقررات، نگرش بر رفت و بازگشت کشتیها در این طرح، بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران است (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۶۶۹-۶۷۰). بانگرش به این اصل و نیز ارزش استراتژیک جزیره‌های یاد شده، ایران برابر اعلامیه‌ی محدودیت‌هایی را برای کشتیها به سوی این جزیره‌ها در نظر گرفته است (افشار سیستمی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

جایگاه ژئواستراتژیک

دولت ایران اوایل دهه ۱۹۷۰ م/۱۳۴۹ خ، همواره پافشاری می‌ورزید که یکی از انگیزه‌های گرایش آن به کنترل این جزیره‌ها، نگاهبانی آن از نیروهای آشوب‌گر و دشمنان آرامش و ثبات منطقه است.

در ژوئن ۱۹۷۰ م، گروه چریکی جبهه دموکراتیک برای آزادسازی خلیج فارس زیر رخنه عراق، مبارزه خود را علیه شاه عمان در شبه جزیره مُسندَم آغاز کرد. در این سال جبهه دیگری در شمال عمان، در تنگه هرمز گشوده شد. این گام، نگرانیهایی را در ایران نسبت به امنیت تنگه هرمز و کشتیرانی جهانی پدید آورد. این موضوع بر ارزش ژئواستراتژیک جزیره‌های تنب و بوموسا از دید دفاع از تنگه هرمز و کرانه‌ها و بندرهای ایران افزود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۵۹).

ایران در درونگاه تنگه هرمز شماری جزیره استراتژیک در حاکمیت و مالکیت دارد. در میان آنها جزیره‌هایی بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک، هرمز، لارک، هنگام و کیش، از بهترین جایگاه استراتژیک برخوردارند.

این جزیره‌ها در دوری اندکی از یکدیگر قرار گرفته‌اند و خط دفاعی قوسی ایران را در تنگه هرمز پدید می‌آورند. ترسیم

جایگاه ژئوپولیتیک و استراتژیک

جزیره‌های تنب و بوموسا دارای جایگاه کلیدی، ژئوپولیتیک و استراتژیک در نگهداری امنیت و آزادی کشتیرانی هستند. تمامی صادرات نفت ایران و حدود ۸۰٪ بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران از راه خلیج فارس و تنگه هرمز انجام میشود، به همین رو ارزش این جزیره‌های ایرانی از دید کشتیرانی جهانی، پشتیبانی از صادرات نفتی ایران و در سطح کلان، بازرگانی خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بنابراین کنترل آنها توسط ایران در راستای در پناه گرفتن آزاد کشتیرانی جهانی، پشتیبانی از بهره‌مندیهای مالی ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۵۵).

جزیره‌های تنب و بوموسا در ژرفترین بخشهای خلیج فارس، و در درون دالانهای رفت و بازگشت طرح جداسازی رفت و آمد جهانی کشتیها قرار گرفته‌اند. همین موضوع انگیزه ارزش ویژه جزیره‌های سه گانه ایرانی از دیدگاه ژئوپولیتیک و استراتژیک شده است، زیرا بخش ارزشمندی از نفت خام مورد نیاز جهان، از میان این جزیره‌ها میگذرد.



مرکز تفریحی ساحل (کازینوی پیشین)

شکل و ساختار طرحی که در پیرامون جزیره‌های تنب بزرگ، تنب کوچک و فارور پیاده شده است، در دریای سرزمینی ایران قرار دارد، زیرا ژرفای آب در کرانه‌های ایران، میان ۴۰ تا ۷۳ متر است، در حالی که در کرانه‌های جنوب و جنوب خاوری و سر خلیج فارس، میان پنج تا ده متر است. این طرح شامل دو گذرگاه رفت و بازگشت یک سوپه به درازای پنجاه مایل دریایی است. گذرگاه شمالی برای گذر

باشکوه ده هزار ساله و بیشتر ایران، جایی برای سخن گفتن ندارد، بلکه با نگرش به پیشینه کوتاه تاریخی، جمعیت اندک و نداشتن توان سیاسی و نظامی، هیچ‌گاه توان رویارویی با ایران را نخواهد داشت. در این میان پیشینه تاریخی، نقش ژئوپولیتیک کرانه‌ای یک هزار و هشتصد کیلومتری ایران، و وزن بازرگانی اقتصادی ایرانیهای امارات هم، توسط شیخهای عرب قابل پرده‌پوشی نیست، توانهایی که میتواند در هنگام بایسته، در راستای بهره‌مندی ملی ایران به کار آید (روزنامه ایران، ۱۳۸۳: ۱۳).

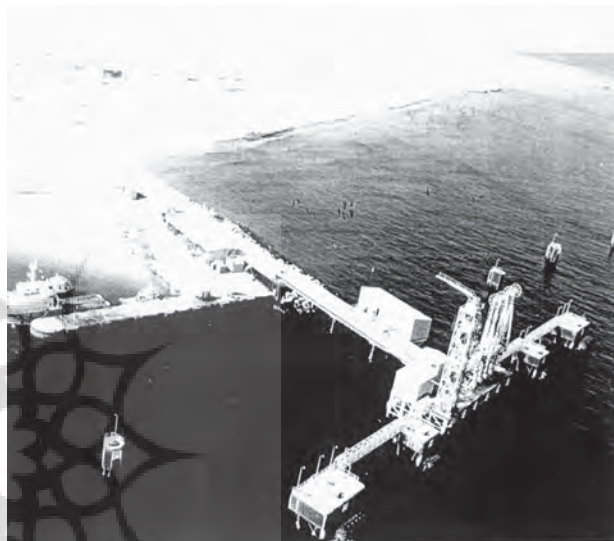
جزیره‌های بوموسا، تنب بزرگ و کوچک در خلیج فارس، بر پایه اسناد تاریخی و حقوقی، از دوران باستان در حاکمیت و مالکیت ایران بوده و هست، ولی به هنگام ناتوانی ایران، پرتغالیها در سال ۱۵۰۷ م، جزیره‌های هرمز، کیش، قشم، بحرین، بوموسا، تنب بزرگ و کوچک را اشغال کردند. حاکمیت آنان بر کرانه‌ها و جزیره‌های دریای پارس بیش از یک سده ادامه یافت و این دوران درازتر از دورانی است، که قبیله‌های کرانه مُسَدَم، از جمله قاسمیها از کرانه‌ها و جزیره‌های مورد ادعا امارات عربی متحده، بازدید میکردند، تا اینکه با توانمندشدن امپراتوری صفوی، چیرگی پرتغالیها در خلیج فارس و دریای مکران پایان یافت (افشار سیستانی، ۱۳۷۰: ۱۷۸-۱۸۳).

بنابراین میتوان گفت چرا یک ادعای خیالی از سوی پرتغالیها در آن دوران و یا دوران کنونی، نسبت به هر بخشی در دریای پارس، به انگیزه این که نزدیک به یک سده در آنجا حاکمیت داشته‌اند، حتی قابل تصور نیست، ولی یک ادعای همانند از سوی امارات عربی متحده بر استدلالی یکسان، میتواند قابل پذیرش باشد؟ و آن اینکه نیاکان قبیله‌ای آنان و به گفته سِرْآنولد ویلسن انگلیسی:

«امرای جزء خلیج فارس که توانایی و شکوه نادرشاه افشار آنها را بر سر جای خود نشانده و از ترس او جرأت تجاوز، نداشتند» (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۸۳).

چند سده پیش برای زمان کوتاهی از بخشهای مورد

یک خط پنداری خمیده که از کنار این جزیره‌ها بگذرد و آنها را به یکدیگر پیوند دهد، ارزش ژئواستراتژیک آنها در پاسداری از کشتیرانی جهانی در تنگه هرمز و نگاهبانی از کرانه‌ها و بندرهای ایران را در این منطقه، نشان میدهد. جزیره‌های تنب و بوموسا به انگیزه چیرگی نسبی خود بر تنگه هرمز و گلوگاه منطقه استراتژیک خلیج فارس، با جنگ‌افزارهای مستقر در خود، میتوانند در هنگام نیاز، این گلوگاه را در دست گیرند (افشار سیستانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۱۸۸).



اسکله بارگیری نفت خام، جزیره سیری

پیشینه تاریخی

جزیره‌های تنب و بوموسا به انگیزه قرارگیری در کنار تنگه استراتژیک هرمز، و نیز شاهراه ورود و خروج کشتیهای بازرگانی و نظامی، از اهمیت استراتژیک بسیاری برخوردارند. این جزیره‌ها از روزگاران کهن، بخشی از خاک ایران بوده‌اند، که سندهای نوشتاری و سنگ نوشته‌های هخامنشی بیستون و تخت جمشید، گواهی بر این ادعا است، به بیان دیگر، سه دهه از ایجاد امارات عربی متحده توسط انگلستان نمیگذرد و بایستی دانسته شود، سرزمینی به نام کشور امارات، پاره‌ای از خاک ایران به شمار میرفته، که در اثر نبود شایستگی رژیمهای پیشین ایران، از خاک میهن جدا شده و همراه با زمینه‌سازی که برای امروز ایران، فراهم آمده بود، نام امارات عربی متحده به خود گرفت (افشار سیستانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

بنابراین تاریخ این کشور کوچک، نه تنها در برابر فرهنگ

ایرانیها در پیمایش سالها، همواره به این اشغالگریها به گونه‌ی اعتراضهای نوشتاری رسمی و نیز حضور نظامیها و کارکنان دولت و برافراشتن پرچم ایران در جزیره‌ها واکنش نشان داده‌اند، تا آنکه بریتانیا در ۱۶ ژانویه ۱۹۶۸ م. / ۲۶ دی ماه ۱۳۴۶ خ، تصمیم گرفت خلیج فارس را ترک کند.

پس از ۶۸ سال مبارزه دولت ایران برای بازگرداندن جزیره‌ها، سرانجام در ۱۹۷۱ م. / ۱۳۵۰ خ، بریتانیا پذیرفت که در چارچوب توافقیهای قانونی و بستن پیمان ویژه، این جزیره‌ها به ایران بازگردانده شود. در آن زمان دولتی به نام امارات عربی متحده وجود نداشت و انگلستان سرپرست یا قیم شیخ‌نشینهای شارجه و رأس الخیمه بود، و بازگشت جزیره‌ها به ایران کاملاً قانونی بوده است. به همین رو امارات عربی متحده به گونه‌ی قانونی نمیتواند ادعای سرزمینی را داشته باشد، که پیش از پیدایی یافتن دولت امارات عربی متحده، به شیوه‌ی قانونی به ایران بازگردانده شده است. بر پایه‌ی سازش به دست آمده، ایران میتواند در اجرای یادداشت تفاهم ۲۵ نوامبر ۱۹۷۱ م، حاکمیت خود بر جزایر سه گانه را از سر گیرد. دو روز پیش از پایان مدت پیمان تحت حمایتی بریتانیا با شارجه و رأس الخیمه، در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ م. / ۹ آذر ۱۳۵۰ خ، جزیره‌های بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک، پس از ۶۸ سال، از اشغال بیرون آمده و به مام میهن بازگردانده شدند (افشار سیستانی، ۱۳۷۰: ۱۹۱-۱۹۳).



دیدار شیخ صقر با فرمانده نیروی دریای ایران در ناو آرتمیس، جزیره بوموسا ۹ آذر ۱۳۵۰ خورشیدی

ادعای امروزی آنان، دیدن کرده و یا برای زمان اندکی در آنجا حضور یافته و از سوی ایران والی‌گری کردند، آن هم دوران کوتاهی پس از کشته شدن نادرشاه، که ایران سروسامان درستی نداشت (روزنامه همشهری، ۱۳۷۷: ۶).



شیخ صقر برادر شیخ شارجه هنگام استقبال از واحدهای نیروی دریای ایران در جزیره بوموسا، ۹ آذر ۱۳۵۰ خورشیدی

دسترسی به تنگه هرمز و ارزش نظامی چیرگی بر این مجموعه جزیره‌ها انگیزه شد تا بریتانیا از آغاز سده ۱۹ م، بر این جزیره‌ها، چشم طمع بدوزد.

در ژانویه ۱۹۰۴ م. / ۱۲۸۲ خ، نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، پرچم امیرنشین شارجه را در جزیره بوموسا و پرچم رأس الخیمه را در جزیره‌های تنب برافراشت. در آوریل ۱۹۰۴ م، کارکنان گمرک ایران این پرچم‌ها را به زیر کشیده و پرچم ایران را برافراشتند. انگلستان برای ابراز مخالفت خود با این کار، کشتی توپداری را به این ناحیه فرستاد. دولت ایران ناگزیر کارکنان گمرک را از جزیره‌ها فراخواند، و در ۱۴ ژوئن ۱۹۰۴ م. / ۲۴ خرداد ۱۲۸۳ خ، یادداشتی برای بریتانیا فرستاد، مبنی بر اینکه جزیره‌ها در مالکیت و حاکمیت ایران قرار دارند و پیشنهاد مینماید تا زمان حل اختلاف، هر دو دولت از برافراشتن پرچم خود در جزیره‌ها خودداری کنند، که انگلستان نپذیرفت و چند روز بعد، پرچمهای دو شیخ‌نشین به دستور بریتانیا در سه جزیره ایران برافراشته شد (همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳: ۸).

حقوق بین‌الملل

انگیزه اشغال جزایر: اشغال موقت و در دست گرفتن جزیره‌های بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک ایران در ۱۹۰۳ م، توسط انگلستان، به دوسازه بازسازی و نیرومندشدن نیروی دریایی ایران و تلاش روسیه تزاری برای دست یافتن به آبهای گرم دریای پارس بستگی داشته است.

در ۱۸۸۸ م / اوایل شهریور ۱۲۶۷ خ، ناوهای ایران در کرانه‌های دویی و ابوظبی پهلو گرفتند و فرمانده نیروی دریایی با شیخهای آنها به گفت و شنود نشست. چند روز بعد، نیروی دریایی ایران ساختمان پادگانی را در جزیره ایرانی سیری آغاز کرد. گامهای ایران برای گسترش رخنه خود در خلیج فارس، انگیزه نگرانی بریتانیا شد. انگیزه دیگر نگرانی انگلستان، گرایش مظفرالدین شاه قاجار و سیاستمداران ایرانی، از جمله امین‌السلطان، صدراعظم ایران، به جانب‌داری از روسیه بود. از این رو بریتانیا برای پیشگیری از دسترسی روسیه به جزیره‌های استراتژیک خلیج فارس، در ۱۹۰۳ م، به نام شیخهای شارجه و رأس‌الخیمه، جزیره‌های بوموسا و تنب بزرگ و کوچک را اشغال کرد.

اشغال سرزمین، حق حاکمیتی ایجاد نمی‌کند: دولت بریتانیا در آن زمان برای دفاع از اقدام خود، به نظریه در اختیار گرفتن سرزمین از راه اشغال و تصرف استناد کرد، که گمانی بیهوده بود، زیرا در آن هنگام جزیره‌ها به لحاظ حقوقی، سرزمینهای بدون صاحب نبودند تا بتوان آنها را اشغال و به تصرف درآورد. دیگر اینکه اشغال و تصرف جزیره‌ها بدان‌گونه که حقوق بین‌الملل روانگر در زمان پیش آمده اختلاف مقرر میداشت، همیشگی و مسالمت آمیز نبوده است.

از آنجا که این جزیره‌ها از ۱۷۸۰ م، در اداره شیخهای بندرلنگه تابع ایران بود و از ۱۸۸۸ تا ۱۹۰۳ م/۱۲۶۷-۱۲۸۱ خ، نیز والی بوشهر اداره امور سه جزیره را در دست داشت، انگلیسیها در تمامی نقشه‌های رسمی، هر سه جزیره را به رنگ پرچم ملی و خاک ایران نشان داده‌اند، به ویژه در نقشه‌ای که اداره اطلاعات وزارت جنگ بریتانیا در ۱۸۸۶ م/۱۲۶۵ خ تهیه کرده و در ۱۸۸۸ م، وزیر مختار

انگلستان در تهران، آن را به ناصرالدین شاه قاجار پیشکش کرده بود. جنبه رسمی این نقشه و چگونگی چاپ تازه آن، روشنگر بُرنده‌یی است بر نادرست‌بودن نظریه بریتانیا و میرساند که این جزیره‌ها در آن زمان، سرزمینی بدون صاحب و قابل مالک نبوده است. افزون بر آن، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه بریتانیا در گزارشی به سال ۱۹۳۵ م، نوشته است، که این جزیره‌ها در پیمایش سالهای ۱۲۶۰-۱۲۶۷ خ، در حاکمیت دولت ایران بوده است.

بنابراین میتوان گفت که جزیره‌های بوموسا، تنب بزرگ و تنب کوچک در ۱۹۰۳ م/۱۲۸۲ خ، سرزمین بدون صاحب یا مالک نبوده‌اند و زیر عنوان اشغال و تصرف سرزمین، حق حاکمیتی برای امارات شارجه و رأس‌الخیمه پدید نمی‌آید (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ۱۹۶-۱۹۷، ۲۱۰).

نتیجه‌گیری

دولت جمهوری اسلامی ایران در چند سال گذشته تلاش گسترده‌یی در راستای استقرار آشتی و پایداری در منطقه و تنش‌زدایی انجام داده است، ولی حاکمان امارات عربی متحده باز هم بر تکرار ادعاهای نادرست درباره جزیره‌های تنب و بوموسا پایداری می‌ورزند و این ادعاهای بیهوده روند جدی و فراگیرتر از گذشته به خود گرفته است (افشار سیستانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

بررسیهای انجام شده تاکنون، نشانگر آن است که از هزاره دوم پیش از میلاد، جزیره بوموسا همانند دیگر جزیره‌های دریای پارس (دریای مکران + خلیج فارس) توسط ایرانیها اداره میشده و در قلمرو کشور ایران بوده است.

دریای پارس و بندرها و جزیره‌های آن، از جمله بوموسا، تنب بزرگ و کوچک در دوران عیلامی، به ویژه سلطنت «شیلهک این شوشیناک» (۱۱۵۱-۱۱۶۵ پ.م) زیر چیرگی این خاندان بود (آمیه، ۱۳۴۹: ۷-۶).

دولت ماد در روزگار «هوخستره»، به بزرگی و توانایی رسید و حدود آن از جنوب به کرانه‌های جنوبی دریای پارس کشیده

شارجه به همراه گروهی از ساکنان جزیره بوموسا با خوشحالی بسیار به گونه رسمی به استقبال فرمانده نیروی دریایی ایران و واحدهای همراه او آمده و طی سخنان تاریخی خود گفته است: من از جانب خود و شیخ خالد و تمامی ساکنان جزیره بوموسا بیان میکنم که ما هشتاد سال است امانتداری کردیم، اکنون پس از هشتاد سال، آن راه شمامیسپاریم و مادوباره پیوند همیشگی خود را با میهن بزرگ اعلام میکنیم (افشار سیستانی، همان: ۱۱۹).



هاور کرافت نیروی دریایی ایران در جزیره تنب بزرگ، ۹ آذر ۱۳۵۰ خورشیدی

شده بود. جزیره بوموسا با دیگر جزایر دریای پارس، در این دوران نخست تابع یکی از ایالت‌های جنوب باختری و سپس تابع ساتراپ (استان) چهاردهم دولت ماد به نام درنگیانه و بخشی از کرمان بود (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۳۱۸).

در ۹ آذر ۱۳۵۰ خ، پس از پهلوگرفتن واحدهای نیروی دریایی ایران در کناره جزیره بوموسا، «شیخ صقر»، برادر شیخ



جایگاه خلیج فارس در نقشه ایران، که در سال ۱۸۸۶ م، توسط اداره اطلاعات وزارت جنگ انگلستان تهیه شده است. جزیره‌های تنب و بوموسا به رنگ خاک ایران هستند و از جزیره بوموسا با همان نام ایرانی آن بوموسا یاد شده است.

منابع

- آمیه، پیر؛ تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- افشار سیستانی، ایرج؛ جزیره کیش و دریای پارس، تهران: شرکت انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۰.
- _____؛ جزیره بوموسا و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
- جعفری ولدانی، اصغر؛ نگاهی به جزایر تنب و بوموسا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
- دیاکونوف، ا.م؛ تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۲۹۹۹، ۲۴ آذر ۱۳۸۳، ۱۳۸۳.
- روزنامه همشهری، سال ۱۳۷۷، ص ۲۷.
- کاظمی، سیدعلی اصغر؛ ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸.
- گلوردی، عیسی؛ جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس، استان هرمزگان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱.
- مستوفی، احمد؛ خلیج فارس، ساختمان و پیدایش آن، سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو، ۱۳۴۱.
- میرحیدر، دره؛ «جغرافیای سیاسی طرح‌های تفکیک تر در خلیج فارس و تنگه هرمز»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
- ویلسن، سرآرنولد؛ خلیج فارس، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۶۶.
- همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳.